

تاریخ‌شناسی و تاریخ‌نگاری در غرب

بخش نخست:

مقدمه:

در تعریف و اهمیت تاریخ و فلسفه آن سخن‌های بسیار گفته‌اند و نظرات بی‌شمار ارائه نموده‌اند. بخش بزرگی از وظیفه مورخین تکامل بخشیدن گفتار پیشینیان و تصحیح لغزش‌های ایشان است. در حقیقت نمی‌توان دموورخ را در آن واحد یافت که در رشته مربوطه توافق کامل داشته باشند. مایه‌ی ما می‌توانیم این کیفیت را «شکوفائی تاریخ» نام نهیم. شکوفائی تاریخ محدود به افراد و زمان نبوده و نیست. تاریخ سرگذشت انسانهاست و از سه بخش تشکیل می‌گردد: دیروز، امروز، فردا. یکی از مورخین اندیشمند و انسان دوست سوئد، در یک لئروت^۱ می‌گوید وظیفه مورخ آنستکه هنرمشکل خودشناسی را به آدمیان بیاموزد. چه بوده‌ایم، چه کرده‌ایم و چگونه می‌توانیم بهتر زیست کنیم؟ ابزار کار مورخ تجزیه و تحلیل تجربه‌های تلخ و شیرین انسانهاست که مجموعه شگرف خاطرات ایشان می‌باشد. بدون تاریخ انسان در حکم بیماری است که به‌نسیان و فراموشی مبتلا شده باشد و در نتیجه از تکرار ناشایستگی‌ها خودداری نخواهد نمود^۲.

این مقاله اشاره مختصر و موجزی است به نظرات و گفتار چند تن از پیشروان و

۱- مدت ۳۵ سال پروفیسور تاریخ دانشگاه گوتبرگ بود و پس از ۴۰ سال تدریس و پژوهش در اول ماه ژوئیه امسال بسازنشسته شد. لئروت اکنون رئیس شورای تحقیقات علوم انسانی و اجتماعی سوئد که عالی‌ترین مرجع پژوهشی اسکاندیناویا است می‌باشد و هم چنین عضو برجسته آکادمی سوئد است که هر سال برنده جایزه ادبی نوبل رامعین می‌سازد.

او از جمله پرکارترین و پرثمرترین مورخین عصر حاضر است و تاکنون متجاوز از ۵۷۰ اثر بصورت کتب، رسالات و مقالات علمی بزبانهای آلمانی، سوئدی، فرانسوی و انگلیسی منتشر ساخته است و علاوه بر تسلط و تبحر در تاریخ غرب، آشنائی وسیعی با تاریخ و فرهنگ شرق و دیگر عالم دارد.

۲- از گفتار لئروت که طی مصاحبه‌ای با وی در روزنامه‌ی کثیرالانتشار گوتبرگ پست، بتاريخ ۱۸ مه ۱۹۷۷ منتشر گردید.

مروجین دو مکتب مشابه تاریخ‌شناسی و تاریخ‌نگاری در اروپا ۱. امید است دانشجویان ایرانی، بویژه آنهایی که شور و شوق مطالعه و پژوهش تاریخ‌درد دارند، بتوانند به این وسیله و بتدریج با مطالعات خستگی‌ناپذیر و پسی‌گیرشان، و با راهشائی اساتید خودمندان، تاریخ را آنگونه که هست بشناسند و با ارائه نتیجه تحقیقات خود و پرورش اندیشه وینش خدا دادی شان بر اوراق و صفحات زرین تاریخ جهان و ایران بفرایند.

در این مقاله همانطور که اشاره رفت معرفی ساده این دو مکتب است که بحث بر تفصیل و انتقادی. در آینده طی مقالات، سعی و مجاهدت مبذول خواهد شد که فلسفه تاریخ‌شناسی و تاریخ‌نگاری خوب بنحو وسیع‌تری تشریح گردد.

هم‌آهنگی و تضاد مکتب‌های تاریخ

به نظر مورخ بنام انگلیسی ترولین اگر تاریخ خوب نگارش یابد الهام‌بخش است. ولی چنانچه بنادرستی نوشته شود و از گونسی و مسمومیت بیار می‌آورد.^۲

عصر ویکتوریا و بیزمارک یک نوع تاریخی پدید آورد که چندان به سوء اجتماع نبود و تاریخ تاحدی بازیچه دست ماجراجویان شد.

از جهتی هم چون علوم فیزیک، شیمی، ریاضی و زیست‌شناسی در اواخر قرن نوزدهم به پیروزیهای چشم‌گیری نائل آمد و اوضاع اقتصادی و اجتماعی بشر را دگرگون ساخت و دانشمندان این رشته‌ها مورد احترام فراوان مردم قرار گرفتند بعضی مورخین راهم به این اشتباه انداخت که اگر به تاریخ جنبه علمی از آن قماش دهند ارزش آن بالایی رود. لذا معیارهای خشک و بی‌روح را دستورالعمل پژوهش و تتبع تاریخ و تاریخ‌نگاری قرار دادند.

۱- جورج مکولی ترولین ۱۹۶۲ - ۱۸۷۶ مورخ و تذکره نویس بنام انگلیسی استاد تاریخ دانشگاه کمبریج. ترولین با شیوائی بیان و سلاست روانی کلام و روش علمی و محققانه اش تحول بدیعی در تاریخ نویسی غرب بوجود آورده او تاریخ را به قسمی نگاشت که مردم، دانشمندان تاریخ، استادان فن و پژوهشگران هر کدام به سهم و ظرفیت خود از خواندنش لذت برده و می‌برند.

۲- ترولین: سخنرانی تحت عنوان «تاریخ و خواننده آن» که بهتر است عنوان را «تاریخ و مردم» ترجمه کنیم این سخنرانی که درسی صفحه است در اجتماع سالیانسه سازمان ملی کتاب در کان وی هال در تاریخ ۳۰ مه ۱۹۴۵ ایراد شد.

ترولین می‌افزاید مطالعه زندگی انسانها و پی‌بردن به ارزشهای معنوی، فلسفی و هنری آنها شباهتی به مطالعه و تجزیه و تحلیل اتم و بررسی عادات و رفتار حیوانات ندارد. نحوه تفکر و زندگی يك انسان یا چند انسان نماینده رفتار و کردار همه انسانها در سراسر جهان نیست. نیروها و استعدادها معنوی و روحانی انسان را نمی‌توان با معیارها و اصول پذیرفته شده علوم ریاضی و طبیعی سنجید. صفات و خصائل و خصوصیات اخلاقی انسان آنچنان بفرنج و پیچیده است که از حوصله تجزیه و تحلیل علوم مادی خارج می‌باشد^۱. این تشریح ترویلین را می‌توان به این صورت روشن‌تر نمود که با معیارها و مقیاس‌های مادی و متمیز نمی‌شود مکنونات عرفانی و روحانی انسان را اندازه گرفت.

چون یکی از هدف‌های اساسی تاریخ تنویر افکار مردم است لذا بایستی آنرا به قسمی نگاشت که مورد پذیرش آنها قرار گیرد، و بتواند فضای اندیشه و فکرشان را وسعت دهد.

در انگلستان تحولی در این زمینه از اواسط قرن هیجدهم پدیدار گشت.

هیوم، روبرتسون و گیبون^۲ با قلم توانای خود دگرگونی محسوس در تاریخ-نگاری بوجود آوردند و تاریخ از انزو خارج شد و مورد استقبال مردم واقع گردید. گیبون زحمات هیوم و روبرتسون را تکامل بخشید و دو جنبه علمی و هنری تاریخ را بر حد کمال رساند به قسمی که هنوز هیچ مورخی کامل‌تر و شیواتر از سبک گیبون چیزی به اجتماع ارائه ننموده است^۳. ترویلین معتقد است که تاریخ در دست گیبون جنبه علمی و هم روح ادبی و هنری خود را حفظ نمود.

در اواخر قرن نوزدهم مکتب «تاریخ به مفهوم علم صرف» بنیان‌گزاران،

۱- ترویلین: تاریخ و مردم

۲- دیوید هیوم مورخ اسکاتلندی

ویلیام روبرتسون مورخ اسکاتلندی

ادوارد گیبون مورخ انگلیسی

۳- ترویلین: تاریخ و مردم ص ۹

مروجین و پیروان روزافزون پیدا نمود. دانشگاه‌های آلمان و انگلیس تاریخ‌نویسندگی و خواندن را به دانشگاهیان اختصاص دادند و داخل دیوارهای جمعی دانشگاه، دیده محدود ساختند لطافت ادبی و ظرافت هنری تاریخ نادیده گرفته شد و به این ترتیب مردم و اجتماع با آن بیگانه گشتند. اجتماعات آن زمان هم تحت نفوذ ورقابتهای عوامل در حال اضمحلال عهد بیژمارک و ویکتوریا کوشیدند تاریخ را وسیله پروپاگاندا و تبلیغات قرار دهند.

در این گیرودار ترویلین با حمایت اکتن و میئلند نظرات خود را در مورد تاریخ‌نگاری بتدریج توسعه داد و طی مدت ۶۰ سال تدریس و سخنرانی و نگارش شالوده‌ای برای مکتبی که به آن اعتقاد و ایمان داشت ریخت.

به نظر او ارزش و هدف تاریخ زمانی بهتر محسوس میگردد که در تربیت افکار و گسترش دانش مردم نقش عمده و اساسی ایفا نماید. مورخ موظف است بهترین و روان‌ترین روشهای تاریخ‌نگاری را به جامعه ارائه دهد. بنابراین تبحر ادبی از شرایط اساسی و ابزار ضروری کار اوست. اگر مردم از تاریخ آگاهی لازم را نداشته باشند درهای دیگر برویشان نیمه باز خواهد بود و این برای تکامل فرهنگ و دانش آنها کافی نیست. ادبیات و تاریخ از هم جدائی ناپذیرند. ما وقتی آثار و ابنیه کهن و هنر معماری را بهتر درک می‌کنیم و زمانی از لطف و زیبایی صنایع ظریف لذت می‌بریم که مجهز به علم تاریخ باشیم. با این بینش تاریخ، برخاسته و سنگ خرابه‌های کهن مفهوم دیگری پیدامی‌کند. تاریخ اگر خوب نگارش شود الهام می‌بخشد، اگر نادرست عرضه شود واژگونی و مسمومیت بیارمی‌آورد.

علاوه بر این اهمیت اساسی تاریخ در پاسخ به دو پرسش است :

- ۱- مردان و زنان در گذشته چگونه زیستند؟
- ۲- چگونه وقایع گذشته موجب پیدایش کیفیت حال شد؟

۱- جان ادوارد اکتن ۱۹۰۲ مورخ انگلیسی و بنیان‌گذار و نویسنده رسالات متعددی مربوط به مطالعات تاریخی فردریک ویلیام میتلند، مورخ و نویسنده تاریخ حقوقی و قضائی انگلیس قبل از ادوارد اول و تاریخ مشروطه انگلیس از ادوارد اول تا قرن نوزدهم و بیستم.

تمدن جدید بشرط اینکه مانع بروز جنگهای خانمانسوز شود بدون شك قادر خواهد بود مشاكل عدیده اش را حل کند. هرچه بر عمر تمدن بشر افزوده شود تاریخ نقش والاتری را در پیشبرد فرهنگ انسانی ایفا خواهد کرد. تاریخ منبع ذخیره علوم و فنون جهان است و مطالعات و پژوهشها و اکتشافات انسان را بهم پیوند میدهد و رابطه ناگسستی بین آنها برقرار می سازد.^۱

شاید ذکر این نکته مهم لازم باشد که در نگارش تاریخ سهل و ممتنع، بی طرفی شرط نخست و لازم يك مورخ است. احتمالاً جهان هنوز منتظر تولد مورخین صدیق و بی طرف است که تاریخ بشر را دوباره بنویسند.

درسوئد چه میگذرد؟

سوئد را بعنوان مکتب دیگر تاریخ برگزیده ایم، چون علی رغم اجتماع صنعتی و تکنولوژی پیشرفته اش تمایل قابل ملاحظه ای به مطالعات علوم انسانی نشان داده است. امسال پانصدمین سال حیات دانشگاه اپسالا جشن گرفته میشود و دانشمندان و دانش پژوهان ممالک جهان به این دیار رهسپار شده و میشوند. سوئدیها و وسائل ارتباط جمعی شان کمال استفاده را از این موقعیت نموده و داسخن داده اند. بر آگاهان و خردمندان جهان پوشیده نیست که دانشگاه اپسالا و دیگر مراکز علمی قدیم غرب را چه از نظر قدمت زمان و چه از لحاظ انتشار علم و فرهنگ و دانش میتوان با مراکز علمی و فرهنگی و تمدن شوش، پاسارگاد، تخت جمشید، گندی شاپور، تیسفون، نیشابور و اصفهان و دیگر جایگاههای بلند پایه علمی پیشین فلات عظیم ایران از ماوراءالنهر تاورای بین النهرین قابل مقایسه و برابری دانست.

تاریخ نویسی درسوئد سابقه و قدمت چندانی ندارد و تا اواسط قرن هفده آنچه بنام تاریخ نگارش مییافت تخصص به وقایع نگاران علی کلیسا داشت. باجلوس گوستاو سوم به تخت سلطنت بتدریج مطالعات علوم انسانی رونق و رواج

۱- استخراج از سخنرانی ترولین تحت عنوان « موقعیت کنونی تاریخ » شطاب به افتتاحیه

پیدا نمود^۱ گوستاو پادشاهی دانش دوست بود و نویسندگان و دانشمندانی را گرامی میداشت، و مطالعات وسیعی در ادبیات فرانسه داشت. بطور کلی نفوذ ادب و فرهنگ فرانسه ریشه عمیقی در آموزش و پرورش سوئدیهها بجای نهاد. دانشگاههای اپسالا و لوند که بترتیب در سالهای ۱۴۷۷ و ۱۶۶۸ بعنوان مراکز علمی و فرهنگی سوئد آغاز فعالیت نمودند و در خلال توسعه و گسترش دانشکدهها ورشته های تحصیلی توجه خاصی به پیشرفت و ترویج علوم انسانی مبذول گردید. اما تاریخ شناسی و تحقیق و تتبع علمی آن مدیون برادران ویول از طرفی، واریک-لزوت از جهت دیگر می باشد.

لوییزویول^۲ و برادرش کورت هم خود را مصروف میتولوژی تحقیق تاریخ و فلسفه نگارش آن نمودند. مآخذ و شواهد تاریخی را بشدت مورد انتقاد و بررسی و پژوهش قرار دادند. لوریتز شهرت بین المللی یافت و دانشگاههای ممالک دیگر او را برای ایراد سخنرانی و تشریح تئوریهایش دعوت کردند. هر دو برادر قسمت اعظم عمر خود را صرف روشن ساختن زوایای تیره تاریخ قرون وسطای سوئد و نروژ و دانمارک نمودند. تاریخ و ایکینگ^۳ های سوئد و دانمارک را از قدیمی ترین

۱- گوستاو سوم ۱۷۹۲ - ۱۷۴۶، پادشاه سوئد ۱۷۹۲-۱۷۷۱. بنیان گذار آکادمی علمی سوئد در سال ۱۷۸۶، در مورد آکادمی علمی سوئد وظایف و اهمیت آن بحث جدا گانه ای در آینده خواهیم داشت. که در ضمن زیر نویس شماره یک اشاره شد یکی از وظایف مهم این آکادمی که از سال ۱۹۰۱ به وظایف و فعالیتهای متعددش اضافه گردید برگزیدن بهترین اثر ادبی سال و اعطای جایزه نوبل می باشد.

۲- لوریتزویول ۱۹۶۰ - ۱۸۷۳، کورت ویول متولد ۱۸۸۶ هنوز در قید حیات است. شاید بی مناسبت نباشد که نفوذ معنوی پدرشان مارتین ۱۹۰۲ - ۱۸۳۵ را در پیشرفت علمی فرزندان متذکر شویم مارتین خود مورخی بزرگ بوده و تخصص او بیشتر مربوط به تحولات تاریخی بخش جنوب غربی سوئد بنام سکونه بود این خانواده در آن ایالت سوئد پابرسه وجود نهاد و در دانشگاه مشهور لوند Lund به تحصیل و پژوهش پرداختند.

۳- کلمه ویکینگ Viking انگلیسی وایکینگ به مردم دریا نورد و ماجراجوی ممالک شمالی اسکاندیناویا، اطلاق می شود که از قرن هفتم میلادی آغاز دست- اندازی به منظور ایجاد روابط بازرگانی نمودند. سوئدیهها به سوی شرق و دانمارکی ها به هلند و فرانسه و جنوب انگلیس و نروژی ها به اسکاتلند و ایرلند روانه شدند.

دورانش موشکافی کردند و با تجزیه و تحلیل علمی مآخذ مربوط ، آثار ارزنده‌ای به اجتماع تحویل دادند و بطور کلی مکتب پژوهش علمی و انتقادی تاریخ را در این سرزمین پایه گذاری کردند . یکی از شاگردان برجسته مکتب و بیول اریک نروت است که بایستی او را از متحولین سوئد بحساب آورد . نروت هم مورخ پر قدرت و هم نویسنده ادیب و توانا است که سبک و روش پژوهش و نگارش کارهای ویول‌ها را تحت الشعاع قرار داد یکی از مهمترین خدماتی که نروت به تاریخ سوئد و پژوهش‌های تاریخی این کشور نموده بین المللی کردن تحقیق است . در سیمینارهای تاریخی دانشگاه گوتبرگ که بمنظور تربیت و تعلیم محقق تاریخ تأسیس یافته است نظرات و گفتار و نوشته های نروت مورد استقبال شیفتگان تدریس قرار می گرفت . محدود نمودن مطالعه و نگارش و تحقیق را به مکتب های یونان و روم خطای بزرگی بشمار می آورد و جویندگان علم و دانش را به دریاهای بیکران فرهنگ و تاریخ شرق و دیگر نقاط جهان راهنمایی می نمود . از جمله نظرات نروت این است که اجتماع صنعتی تکنولوژی پیشرفته و سرسام آور امروز اخلاق و کردار عمومی را به تباهی می کشد . آموزش و پرورش به علت توجه بیش از حد به مسائل تکنیکی و صنعتی لطمه شدید دیده است و اندیشه های عرفانی و تخیلات ادبی دچار ضعف و ناتوانی گشته . لذا بایستی مطالعات علوم انسانی ، ادب و تاریخ و هنر بطور روزافزون در جوامع بشری و مدارس و دانشگاهها رسوخ نماید و مورد توجه بیشتر قرار گیرد . الهام گرفتن از فرهنگ های قدیم و تمدن های کهن بینش و اندیشه ی آدمی را دگرگون می کند و افق دید انسان را وسیع تر می سازد . آثار و نوشته های نروت بیش از آن است که در این مختصر بگنجد ، امید است با روش و نوشته های این مورخ اندیشمند در آینده آشنائی بیشتر حاصل نمایم . نروت از اول ژوئیه امسال بازنشسته شد و بگفته یکی از همکارانش اکنون آزادی بیشتری بدست می آورد که خدمات علمی و پژوهشی خود را وسعت دهد و چون در رأس عالی ترین مرجع پژوهشی علوم انسانی و علوم اجتماعی اسکندینا ویا قرار دارد می تواند اهداف دیرینش را که

توسعه تحقیقات تاریخ بین‌المللی در سوئد است تحقق بخشد .
 زحمات ویول‌ها و لنروت و چندتن دیگر از جمله هلم برگ^۱ که در سمینار
 عالی دکترای تاریخ دانشگاه گوتبرگ رشیدالدین فضل‌الله را پدر تاریخ دانست
 نه هرودت را ، نتایج خوبی بیار آورده است . اما در عین حال مشاهده میشود که ،
 جمعی از مورخان جوان سوئد که جوای نام و شهرت هستند و شدیداً تحت تأثیر
 پیشرفت های علوم طبیعی ، ریاضی و فیزیک قرار گرفته‌اند ، ظاهراً بدوران قبل و
 تاریخ نگاری آلمان برگشته‌اند بیش از اندازه تاریخ را زیر نفوذ فیزیک و ریاضی
 و طبیعی کشانده‌اند . نوشته‌هایشان از روح ادبی و زیبایی نثر دلپذیری است ، يك
 جدول و نمودار و اشکال هندسی را سرهم می‌کنند و لابلاي آن هم يك سلسله
 جملات مبهم و بی روح جامی‌زنند و به چاپ می‌رسانند . چنین کتبی هرگز در
 اجتماع و در بین مردم جا و مکنی برای خورد نمی‌یابد و در گوشه انزوای قفسه
 کتاب خود نویسنده و دوسه نفر نظیر او گردد و غبار می‌خورد . بهر حال جای
 امیدواری هست که روزی این نلاطم موقتی آرامش یابد و زحمات لنروت ، ویول
 و هلم برگ و دیگران بشمر برسد و سوئدیهای جوان جنبه‌های انسانی ، عرفانی
 و ادبی تاریخ را در کارهای خود بجامعه ارائه نمایند .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پیامی در پایان :

فلسفه و تاریخ شناسی و تاریخ نگاری غرب آموزنده است و دانستنش برای
 ایرانیان لازم می‌باشد اما شناساندن فرهنگ و ادب ایران که شاه ریشه فرهنگ و
 تمدن بشری است وظیفه‌ای است که به عهده هر ایرانی محول است . کلام بلند و

۱- پروفیسور او که هلم برگ رئیس مؤسسات تاریخ دانشگاه گوتبرگ ۴ سال پیش
 در رأس يك هیئت هشت نفری از ایران دبلن نمود، از دانشگاههای پایتخت ، اصفهان، شیراز
 و اهواز بازدید بعمل آوردند و طبق گفته خودشان که در ادبیوی سوئد پخش شد محو عظمت
 فرهنگ ایران شدند یکی از اعضاء هیئت بنام پروفیسور بویرگ اظهار کرد که بعضی
 کشور گشایان که بخاک ایران حمله بردند وقتی خود را در برابر چنین فرهنگ پر عظمتی
 می‌یافتند بلاشک در خود احساس حقارت و ناتوانی آزار دهنده نموده‌اند .

هستی آفرین فردوسی ، گفتار روان و جان افزون سعدی ، زمزمه لطیف ربانی حافظ ، اشارات ملکوتی مولانا ، نغمه های جانگداز بابا طاهر و عرفان خرد آفرین عطار و سنائی بارقه های علم زای ابوعلی سینا و غزالی و رازی ، نقش ها و نگاره های پرشکوه قالی های استادان ایرانی ، ترانه های جانسوز تار و سه تارونی در پرده نوا و شور و سه گاه و هزاران هزار نکته ی پرفروغ فرهنگ درخشان ایران و روح و حالت آسمانی دشت ها و جلگه ها و جای پر خیز و برکت این سرزمین را ایرانی عاشق و شیفته فرهنگش بایستی به جهانیان بشناساند .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی